

نقش فضای شهری بر زندگی روزمره کارتن خواب‌های شهر تهران

سیدسعید آقایی^۱

علیرضا کلدی^۲

منصور وثوقی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۹/۶

چکیده

تحقیق حاضر با هدف نقش فضای شهری بر زندگی روزمره کارتن خواب‌های شهر تهران انجام شده است. روش تحقیق ترکیبی و با چارچوب مصاحبه نیمه ساختار یافته که بر اساس نظریه زندگی روزمره گافمن و رویکرد بوم‌شناسی شهری طراحی شده، اجرا گردیده است. داده‌های گردآوری شده از بخش کیفی با تکنیک مصاحبه و مشاهده و با استفاده از روش تحلیل محتوا تحلیل و در قالب جداول ارائه شده است. در بخش کمی تحقیق نیز پرسشنامه‌ای بر اساس همین نظریه طراحی شده و اطلاعات لازم به شیوه مصاحبه‌ای توسط محقق جمع‌آوری گردیده است. شیوه تحلیل داده‌ها نیز به روش آماری، در قالب جداول توصیفی و استنباطی آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که محیط‌های انسان‌ساز بیش از محیط‌های طبیعی زمینه را برای بروز انحراف و کجروی مهیا می‌کنند و مهاجرت به عنوان یکی از عوامل مهم در انتقال خرده فرهنگ‌های مختلف به کلانشهرها، نقش مهمی دارد. مهاجرت نیز با کارتن خوابی رابطه معناداری را نشان داده؛ بنابراین میزان محرومیت‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی می‌توانند عوامل مستعد کننده گرایش به کارتن خوابی باشند که در جامعه مقصد برای مهاجران با عدم تعادل همراه است.

واژگان کلیدی: کارتن خوابی، محیط، فضای صحنه، طراحی فیزیکی، مهاجرت، زندگی روزمره.

۱. دانشجوی جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران (نویسنده).

E- mail: saeidaghaei1396@gmail.com

۲. استاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران (مسئول مکاتبات).

E- mail: drkaldi@yahoo.com

۳. استاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران.

E- mail: vosooghi_mn@yahoo.com

مقدمه

مسئله اجتماعی شرایطی است که از نظر تعداد زیادی از مردم، نامطلوب است و این احساس در مورد آن وجود دارد که از طریق اقدامات اجتماعی جمعی قابل حل است. ماریس (۱۹۸۸)، مسائل اجتماعی را به عنوان الگوهای کلی رفتار انسانی یا شرایط اجتماعی تعریف می‌کند که به وسیله تعداد قابل توجهی از مردم، گروه‌های ذی‌نفع یا افراد کاریزما تهدید محسوب می‌شود که می‌توان آن را حل و فصل کرد. مطابق با نظر بارکر (۱۹۹۱)، مسائل اجتماعی در بردارنده شرایطی است که منجر به کنش اجتماعی می‌شود و ارزش‌ها و هنجارهای بعضی از افراد را خدشه‌دار می‌کند و موجب رنجش و آزرده‌گی اقتصادی یا عاطفی می‌شود. بنابراین بی‌خانمانی یک مسئله اجتماعی است زیرا افزایش تعداد بی‌خانمانان، عموم مردم را تهدید می‌کند و سیاست‌گذاران اجتماعی سیاستی کلی برای کاهش تعداد آن‌ها در نظر می‌گیرند (Jones, 2003: 8). در زندگی روزمره کارتن‌خواب‌ها شکستن مفاهیم و روابط در شیوه زندگی عرفی و معمول اجتماعی به چشم می‌خورد. کارتن‌خوابی چه به دلیل طرد اجتماعی و چه ناشی از سرخورده‌گی باشد، نشان‌دهنده سبک جدیدی از زندگی است که در جوامع پیشامدرن دیده نشده است و یکی از دلایل آن توزیع نامناسب ثروت و قدرت بوده که سرمایه‌داری به آن دامن زده است. همین نابرابری در توزیع ثروت و قدرت سبب بروز محرومیت‌های اجتماعی از جمله فقر در جامعه می‌شود. نداشتن دارایی به کاسته شدن قدرت و نفوذ اجتماعی می‌انجامد و کاهش حمایت‌های نهادهای مدنی و دولتی از نخستین تبعات آن است. رشد شهرنشینی و گسترش فضاهای شهری، یکی از مهم‌ترین بسترهای گسترش آسیب‌های اجتماعی است. تمرکز جمعیت، افزایش تراکم جمعیت‌های انسانی و تداخل نقش‌های مختلف انسانی در یک موقعیت از جمله پیامدهای به وجود آمدن شهرهای بزرگ و کلانشهرها در هر کشوری است. جمعیت انسانی‌ای که در شهرها گرد هم می‌آیند برای دستیابی به اهداف فردی خود با تکیه بر فردگرایی حاکم بر زندگی شهری، اولویت‌های خود را از اهداف جمعی به تمایلات شخصی تغییر می‌دهند و همین امر سبب می‌شود که برخی از افراد بتوانند با دستیابی به بخشی از اهداف شخصی خود، میزانی از قدرت را کسب کنند و در ازای این قدرت نسبی، توان‌مندی آنان در تامین هزینه‌های زندگی‌شان نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، افرادی که در رسیدن به اهداف‌شان، ناتوان بوده‌اند، دچار سرخورده‌گی‌های ناشی از فقدان حمایت‌های اجتماعی می‌شوند و در اغلب موارد، فقر اقتصادی را به عنوان یکی از ویژگی‌های زندگی خود می‌پذیرند. این گروه، برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود، ممکن است دست به اتخاذ تصمیماتی بزنند تا بتوانند شرایط زندگی خود را تغییر دهند. مهاجرت به شهرهای بزرگ و کلانشهرها به منظور یافتن شغلی مناسب و ارتقای وضعیت مالی، ادامه تحصیل و تحمل شرایط دوری از خانواده و غیره، می‌توانند در راستای بهسازی شرایط زندگی انجام شوند. اما همیشه مهاجرت، راه‌حل مناسبی برای بهبود وضعیت اقتصادی نیست؛ چه بسا، مهاجرت سبب‌ساز مسائل دیگری شود، مثل حاشیه‌نشینی در کلانشهرها که فضای مناسبی را برای رشد آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

اوج استثمار افراد و شکل‌گیری طبقه فقیر در غرب، در عصر انقلاب صنعتی پدید آمده، در حقیقت جوامع در چند حالت، بیشتر دچار زخم‌های اقتصادی می‌شوند. حالت اول، حالتی است که یک جامعه در آستانه صنعتی شدن به سر می‌برد و به سوی توسعه‌یافتگی قدم برمی‌دارد. حالت دوم، زمانی که جامعه، دچار رکود اقتصادی و بیکاری است و حالت سوم که بدترین حالت متصور است، آمیزه‌ای از دو وضعیت فوق می‌باشد. در جوامعی که در یکی از این سه دسته قرار دارند، پیدایش معضلات اقتصادی-اجتماعی در آن‌ها قطعی و اجتناب‌ناپذیر، اما قابل التیام و ترمیم است. یکی از این معضلات اقتصادی که نمود اجتماعی پیدا می‌کند، پدیده‌ی کارتن خوابی است، که یا در جوامع در حال صنعتی شدن به دلیل از بین رفتن کارهای سنتی و یا در جوامع در حال رکود پدید می‌آید و یا هر دو حالت توأمان، با هم سبب پیدایش آن می‌شوند (ادهمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۶). چنانچه سیاست‌گذاری‌های مناسبی در راستای بر آوردن نیازهای ساکنین شهرها و دسترسی به امکانات حداقلی برای آنان فراهم نشود، از سوی دیگر هزینه‌های زندگی در شهر با درآمد آنان همخوانی نداشته باشد، حاشیه‌نشینی از بدیهی‌ترین نتایج رشد بی‌رویه شهرها خواهد بود که بی‌خانمانی و کارتن خوابی هم در مراحل پیشرفته‌تر فقر، پس از حاشیه‌نشینی دور از انتظار نخواهد بود.

تقریباً مهم‌ترین علت‌های مستقیمی که در سال ۱۹۸۰ برای بی‌خانمانی برشمرده‌اند، با علل مستقیم بی‌خانمانی در طول سال‌های ۶۰-۱۹۵۹ یکسان بودند؛ گسسته شدن روابط خویشاوندی، نیاز مالکان به منزل خودشان (و در پی آن، اقدام قانونی و حکم تخلیه)، معوقات پرداخت اجاره، افزایش جمعیت، اشغال غیر قانونی آپارتمان‌ها، عدم موفقیت در سازماندهی اشتراکی منازل و بیکاری، سهم عمده‌ای در افزایش بی‌خانمانی در بریتانیا داشتند (گرو در باروز و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱). با توجه به این که از دست دادن خانه به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی، افراد را در انتخاب محل زندگی، با محدودیت‌های بی‌شماری مواجه می‌کند و برای ایجاد تعادل بین هزینه و درآمد، مناطق آسیب‌زای شهر که معمولاً نرخ اجاره‌خانه در آن‌ها کمتر است، این قشر را به خود جذب می‌کند. در برخی موارد هم که افراد از خانه‌های اشتراکی بیرون آمده‌اند یا به تنهایی زندگی می‌کرده‌اند، گرایشی به اجاره خانه در افراد وجود ندارد و معمولاً پاتوق‌های شهری مثل پارک‌ها، محل مناسبی برای خواب شبانه خواهد بود. بنابراین ویژگی‌های فضایی در شهرها و پاتوق‌هایی که کارکردهای چندگانه‌ای پیدا می‌کنند، در گرایش افراد به کارتن خوابی موثر هستند. محقق قصد پاسخگویی به این سوال را دارد که نقش فضای شهری در گرایش افراد به کارتن خوابی چه قدر است؟

اهداف تحقیق

- تعیین نقش فضای اجتماعی و شهری در زندگی روزمره کارتن خواب‌های شهر تهران
- تعیین میزان جذب مهاجرین به فضاهای نامطلوب و کارتن خوابی

مبانی نظری

اسماعیل علی‌اکبری و شهرام درخشان در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی در محیط شهری؛ مطالعه موردی: منطقه‌ی پنج کلانشهر تهران" به آسیب‌های موجود در این منطقه پرداخته و کارتن خوابی را یکی از این مسائل اجتماعی تشخیص داده‌اند. این پژوهش رویکرد فضایی به رفتارها و آسیب‌های اجتماعی دارد و فضا را بستر مکانی برای رفتارهای انسانی به شمار می‌آورد. این بستر از طریق فرایندهای مختلف در رفتار فضایی انسان متجلی می‌شود و به صورت برون‌داد رفتاری هنجار و نابهنجار یا موزون و ناموزون، نمود عینی و رفتاری پیدا می‌کند. در این رویکرد تاثیر عوامل بیرونی یا خصوصیات فضایی- کالبدی بر رفتار انسان یا به عبارتی نموده‌های بیرونی رفتار انسان در رابطه متعارف با محیط مطالعه و تحلیل می‌شود. تراکم در زمینه رفتار انسانی در دو مفهوم به کار می‌رود: تراکم اجتماعی و تراکم فضایی. تراکم اجتماعی، شاخصی کمی برای تعداد افراد است که با روابط و رفتار بین فردی ارتباط نزدیکی دارد. نتایج نشان داد که در تحلیل فضایی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای برخاسته از آن، نه تنها تاکید بر موقعیت کاربری و گره‌های شهری یا مراکز ثقل فضایی به عنوان عناصر شاخص و مولفه‌های مستقل، مهم هستند، بلکه با توجه به آرایش فضایی، نظام مکان‌یابی و همجواری فضاها، عناصر کاربری شهری، برای درک آثار متقابل و هم‌پیوندی‌های فضایی و عملکردی در این زمینه بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل است که الگوی پخش فضایی کارتن خواب‌ها و معتادان تابع کالبد و ساختار کالبدی فضا است، ولی الگوی پخش فضایی کودکان و متکدیان خیابانی تابع کارکرد فضا یا ساختار کارکردی فضای شهری می‌باشد (علی‌اکبری و درخشان، ۱۳۹۳: ۷۲-۴۹).

تایلر (۲۰۰۸)، معتقد است بی‌خانمانی اولیه شامل افرادی است که در خیابان یا در خرابه‌ها زندگی می‌کنند و بی‌خانمانی ثانویه شامل افرادی است که در مناطق بحرانی زندگی می‌کنند. بی‌خانمانی نوع سوم افرادی را در بر می‌گیرد که در خانه‌های شبانه روزی زندگی می‌کنند. چهارمین گروه شامل افرادی است که در خانه‌های عمومی با کیفیت نامناسب و با اجاره‌های متغیر اقامت دارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل تعیین شده احتمالی عبارتند از: بیماری روانی، سوء مصرف مواد مخدر، خشونت، انزوای اجتماعی، دوگانگی شخصیتی، اختلالات شناختی و بیماری‌های مزمن. همچنین، انزوای اجتماعی و فقر شناخت به موقع و ارجاع به خدمات مناسب برای این افراد را به تعویق می‌اندازد (تایلر، ۲۰۰۸).

مطالعه هر واقعیت اجتماعی باید در بستر پدید آورنده آن مورد مطالعه قرار گیرد و تکه تکه کردن یک واقعیت و جدا کردن آن از زمینه‌های بروز و ظهور پدیده، تقلیل‌گرایی در مطالعات جامعه‌شناختی را به همراه خواهد داشت. چنان که گورویچ معتقد است، هر پدیده اجتماعی یک واقعیت تام و تمام است که

^۱ Tyler

دارای عناصری با روابط متقابل می‌باشد (گروویچ، ۱۳۵۱: ۴۶). این کلیت در زندگی روزمره افراد جامعه، بستری را فراهم ساخته که زاینده بسیاری از شرایط مساعد یا نامساعد زندگی اجتماعی هستند. در رویکرد بوم‌شناسی شهری، آسیب‌های اجتماعی در ارتباط با پدیده‌های شهری مثل زبان، قومیت، مهاجرت، سکونتگاه و تراکم جمعیت مطالعه می‌شوند. پارک و برگس تاثیر عوامل فوق را بر آسیب‌هایی مثل خودکشی، طلاق و فحشا در شیکاگو بررسی کردند. این نظریه بر بی‌سازمانی اجتماعی در تبیین پیامدهای آسیب‌شناختی زندگی شهری تاکید دارد. به نظر پارک و برگس محیط فیزیکی شهر تاثیر عمیقی بر الگوهای فرهنگی و اجتماعی شهر دارد. به نظر آنان، آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده‌اند، ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

در این نظریه، پراکندگی آسیب‌های اجتماعی با نواحی مختلف سکونتگاهی شهر مطابقت دارد. در مناطق انتقالی به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، میزان آسیب‌های اجتماعی بالاست. عدم ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه‌ی انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود و شرایط بروز خرده فرهنگ‌های کجرو را مهیا می‌کند. در نبود گروه‌های مرجع و منابعی که نوجوانان را به رفتار اجتماعی مقبول متقاعد نماید، خرده فرهنگ‌های کجرو، جای خالی را پر می‌کند. نبود گروه‌های مرجع و ضعف نهادهای اجتماعی مثل خانواده، محله‌های منطقه انتقالی را به جایگاه مناسبی برای خرده فرهنگ‌ها، مهاجران و فقرا تبدیل می‌کند. آمارها میزان بالایی از آسیب‌های اجتماعی مثل مواد مخدر، روسپیگری، خشونت و سایر انحرافات را در این مناطق گزارش می‌کنند. این در حالی است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین ساکنان و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهری بر این امر دامن می‌زند. هابر و تورو (۲۰۰۴)، معتقدند، سیستم اجتماعی پیچیده نیاز به تحلیل اجتماعی گسترده‌ای نظیر تمرکز بر روی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد (Korce, 2006: 37-41).

جدا افتادگی بی‌خانمان به عنوان یک عامل خرده فرهنگی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا فاقد راهنما، اهداف ثابت و سلسله مراتب منزلتی هستند. در صورت فقدان هر گونه عامل پیوند برای ایجاد پیوند بین آن‌ها، جامعه آن‌ها را به عنوان تهدید در نظر نمی‌گیرد. هنوز کارکردگرایان آن‌ها را به عنوان تهدید در نظر می‌گیرند زیرا آن‌ها خودشان را از جامعه دور می‌کنند. روان‌شناسان یا روان‌پزشکان به صورت مکرر از دیدگاه کارکردگرایی ساختاری برای تبیین عوامل بی‌خانمانی استفاده می‌کنند. پیمایش‌های منطقه‌ای با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با بی‌خانمانان ساکن پناهگاه در یک مقطع خاص از زمان اجرا شده‌اند (Jones, 2003: 8). به طور خلاصه، مطابق با کارکردگرایی ساختاری، بی‌خانمانی از انومی و خرده فرهنگ گروه‌های اقلیت یا فقیر ناشی می‌شود. هم‌چنین بی‌خانمانی به عنوان نتیجه بی‌سازمانی خانوادگی

یا عملکرد ضعیف خانواده نیز تبیین شده و طلاق یا خشونت خانوادگی را به عنوان دو عامل اصلی در بی‌خانمانی در نظر می‌گیرند.

از نظر گافمن، در سازمان دادن به گروه‌های اجتماعی جدید موقعیت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند که مفهوم محیط، تعریف‌کننده این موقعیت است و از اجزایی تشکیل شده است؛ محیط همان ساختار و اجزای بیرونی یک موقعیت است و دکور و فضای صحنه، اثاثیه و طراحی فیزیکی اجزای آن هستند (گافمن، ۱۳۹۲: ۳۴). گافمن با تمایز قائل شدن میان این اجزا به شرح روابط دیالکتیکی موجود میان این عناصر پرداخته است و معتقد است اگر روابط میان اجزای سازنده موقعیت اجتماعی به درستی شکل گیرد، الگوی ثابتی از کنش را ارائه می‌دهد که می‌تواند به یک چارچوب کنش تبدیل شود.

گافمن زندگی اجتماعی و کنش‌های روزمره را در چارچوب‌هایی تفسیری قالب‌بندی می‌کند و به تحلیل چارچوب‌ها می‌پردازد. از نظر گافمن مهم‌ترین چارچوب‌ها، چارچوب نخستی و چارچوب دومی است. در چارچوب نخستی معانی روشن و از پیش تعریف‌شده‌ای جای دارند که توسط گروه انجام شده‌اند و برای همه کنشگران به یک میزان قابل‌درک و فهم است. این معانی برخاسته از ساخت فرهنگی جامعه است که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در صورت‌بندی آن تاثیر بسزایی دارند. اما گاهی کنشگر در موقعیت اجتماعی باتوجه به تغییر شرایط تاریخی از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی که در چارچوب نخستی نقش مهمی دارند و به شکل عادت‌ی پذیرفته شده‌اند، تفسیر دیگری دارد و معانی موجود در چارچوب نخستی را برای الگوی کنش خود مناسب یا کارآمد نمی‌داند. در این شرایط چارچوب نخستی قفل می‌شود و به عبارت دقیق‌تر برای کنشگر قابل استفاده نیست. بنابراین کنشگر سعی در خلق معانی جدیدی می‌کند تا با فهم و تفسیری جدید از معنی خلق شده دست به کنش بزند. در این حالت، کنشگر ابتدا چارچوب نخستی را تفسیری بازنگرانه می‌کند و دست به تنظیم جایگزین‌هایی برای چارچوب نخستی می‌زند (تنهایی، ۱۳۹۱: ۲۸۹). اما آن‌چه که در هر دو چارچوب وجود دارد و در شکل‌گیری و تفسیر معانی چارچوب مهم است، اجزای یک چارچوب از جمله محیط می‌باشد. گافمن در شرح چارچوب نخستی و چارچوب دومی چنین نوشته است:

«... ظرفیت حرکت بین نقش‌های وضع شده در صورت اقتضای شرایط را می‌توان پیش‌بینی کرد و ظاهراً همه می‌توانند آن را انجام دهند. زیرا هنگام فراگیری نقش در زندگی واقعی، ما تولیدات خود را از طریق ایجاد آشنایی اولیه و تا حدی ناآگاهانه با نقش کسانی که مقابل آن‌ها خود را عرضه می‌کنیم، پیش می‌بریم و وقتی یک نقش واقعی را به درستی مدیریت می‌کنیم، موفقیت ما تا حدی به خاطر جامعه‌پذیری مورد انتظار ماست ... وقتی فرد وارد جایگاه جدیدی در جامعه می‌شود و نقش جدیدی را برای اجرا بر عهده می‌گیرد ... صرفاً چند نشانه یا سرنخ و راهنمایی در خصوص مسیرهای موجود در صحنه دریافت می‌کند. زیرا تصور کلی این است که در اندوخته‌های پیشینی خود به قدر کفایت قطعات اجرایی را که در محیط جدید لازم خواهند بود در اختیار دارد ... بنابراین یک پایگاه، یک موضع یا یک مکان

اجتماعی چیزی مادی نیست که بتوان آن را تصاحب و اجرا کرد. بلکه الگویی از رفتار متناسب است که منسجم، آراسته و به خوبی تنظیم شده است (گافمن، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۳)». بنابراین با توجه به نظریه‌ی بوم‌شناسی شهری و اهمیت محیط در کنش‌های متقابل اجتماعی و روزمره‌ی کارتن‌خواب‌ها، این تحقیق در صدد تحلیل پاسخ‌های گردآوری شده در قالب این نظریه‌ها و مفاهیم برآمده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق شامل بی‌خانمان‌های شهر تهران بود که شب‌ها را در گرم‌خانه‌ها سپری می‌کردند و تعداد آن‌ها ۱۲۰۴۸ نفر بود.

در بخش مصاحبه که مربوط به تحلیل کیفی بود، پژوهشگر نمونه‌گیری را تا رسیدن به اشباع داده، ادامه داد؛ یعنی تا زمانی که موردهای جدید نتوانستند اطلاعات غیرتکراری در اختیار پژوهشگر قرار دهند. در بخش کمی هم که برای تامین پایایی نتایج تحقیق انجام شد، گردآوری داده‌ها از ۳۷۷ نفر از کارتن خواب‌ها صورت گرفت که این تعداد نیز با استفاده از فرمول کوکران به دست آمد و موارد نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

در بخش کیفی، مصاحبه‌ای نیمه ساختار یافته بر اساس سوالات برآمده از مبانی تجربی و نظری پژوهش انجام شده و در بخش کیفی نیز پرسشنامه‌ای که دارای ۱۲ گویه بود و برای تامین پایایی نتایج بخش کیفی تنظیم شده بود، استفاده شده است. این پرسشنامه مهاجرت و دلایل آن را مورد سنجش قرار داد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از روش ترکیبی استفاده شده است. در بخش کمی تحقیق، پاسخ‌های ۳۷۷ نفر از افراد بی‌خانمان و کارتن خواب مورد تحلیل قرار گرفت و در بخش کیفی نیز داده‌های مصاحبه‌ای مبنای پژوهش میدانی بودند و از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. نتایج دو بخش کمی و کیفی در این تحقیق، در یک جمع‌بندی کلی، ارائه شده است.

یافته‌های تحقیق

گافمن^۱ در تحلیل زندگی روزمره به عناصری می‌پردازد که بخشی از آن‌ها با اختیار کنشگر انتخاب شده‌اند و برخی خارج از اختیار و انتخاب وی بوده است. بخشی از عناصر محیط که از نظر گافمن در دو

^۱ Goffman

مؤلفه فضای صحنه و طراحی فیزیکی قابل مطالعه است، به اختیار کنشگر و برخی خارج از حوزه اختیار و انتخاب قرار دارند. ساخت هر گروه، سازمان یا نهاد اجتماعی می‌تواند به نسبت در اختیار گذاردن شانس‌های اجتماعی^۱ یا به تعبیری درست‌تر، فرصت‌های زندگی^۲ به اعضای آن گروه، واقعیت اجتماعی متفاوتی را پدید آورد. بنابراین تحلیل، عناصری که در فضای صحنه مورد مطالعه هستند، عبارتند از محل تولد فرد که اختیار در آن نقش ندارد و محل زندگی افراد که ممکن است با اختیار فرد انتخاب شده باشد یا فرد به اجبار و با تبعیت از خانواده یا عوامل دیگری، در مکان مورد نظر زندگی کرده باشد. در تحلیل فضای صحنه به تلفیقی از جبر و اختیار می‌توان توجه داشت که هم فرصت‌های زندگی و هم سبک زندگی را شامل می‌شود. نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام شده برای تحلیل داده‌ها آورده شده است و پژوهشگر با استفاده از این داده‌ها به تحلیل پرداخته است. یوسف، فردی ۳۰ ساله و از مهاجرین به تهران بود. وی درباره مهاجرت خودش به تهران گفت:

«من حدود ۱۶ سال پیش، تنها از لالچین همدان به تهران اومدم، از میدان خراسان توی یه تالار شروع به کار کردم ... قبل از این که به این مددسرا بیام، توی خیابون و خرابه‌های چهار راه مولوی و سیروس می‌خوابیدم ... اولش که توی تالار کار می‌کردم، ۶۰ تومن حقوقم بود، بعد که از تالار رفتم رستوران، حقوقم به ۳۰۰ هزار تومن رسید. از لحاظ مالی وضع خوبی داشتم تا زمانی که دیگه سر کار نرفتم. از رستوران که اومدم بیرون با کسانی که قبلاً توی رستوران بودیم، مواد مصرف می‌کردم». یوسف بیکار شدن و گرایش پیدا کردن خودش به اعتیاد و در نتیجه، بی‌خانمان شدن را معلول شرایط محل کارش در رستوران می‌داند که بستری برای آشنایی با افراد جدید برایش فراهم آورده بود. از طرفی، وی این آشنایی را به زمانی که کار در رستوران را ترک کرده بود، نسبت می‌دهد و افراد جدید را همکارانش در رستوران می‌داند. در این روایت یوسف به مواردی مثل مهاجرت، دوری از خانواده و احساس تنهایی می‌توان پی برد که باعث می‌شوند تا فرد مهاجر به دوستانی پناه ببرد که شاید برای مراودات اجتماعی، از نظر فرهنگی یا اجتماعی تناسب چندانی با آن‌ها نداشته باشند. محمد از زندگی در محله شوش و دوستانش، راضی نبود و گفت:

«حدود ۱۴ سال داشتم که برای کار از مهاباد به تهران آمدم، اما معتاد شدم. اول دنبال کار گشتم و مدتی سر کار رفتم. الان فقط توی شوش هستم. توی این جا دوستی یا به خاطر پول هستش یا به خاطر مواد یا چیزای دیگه، توی این جا دوستی‌ها به خاطر خود آدم نیست ... من وقتی اومدم تهران، بچه بودم و خیلی سختی کشیدم. می‌رفتم توی این پارک فرح‌آباد که بخوابم، یه چادر از روی یه ماشین بر می‌داشتم و خودمو لای چادر می‌پیچیدم و می‌خوابیدم».

¹ Social Chance

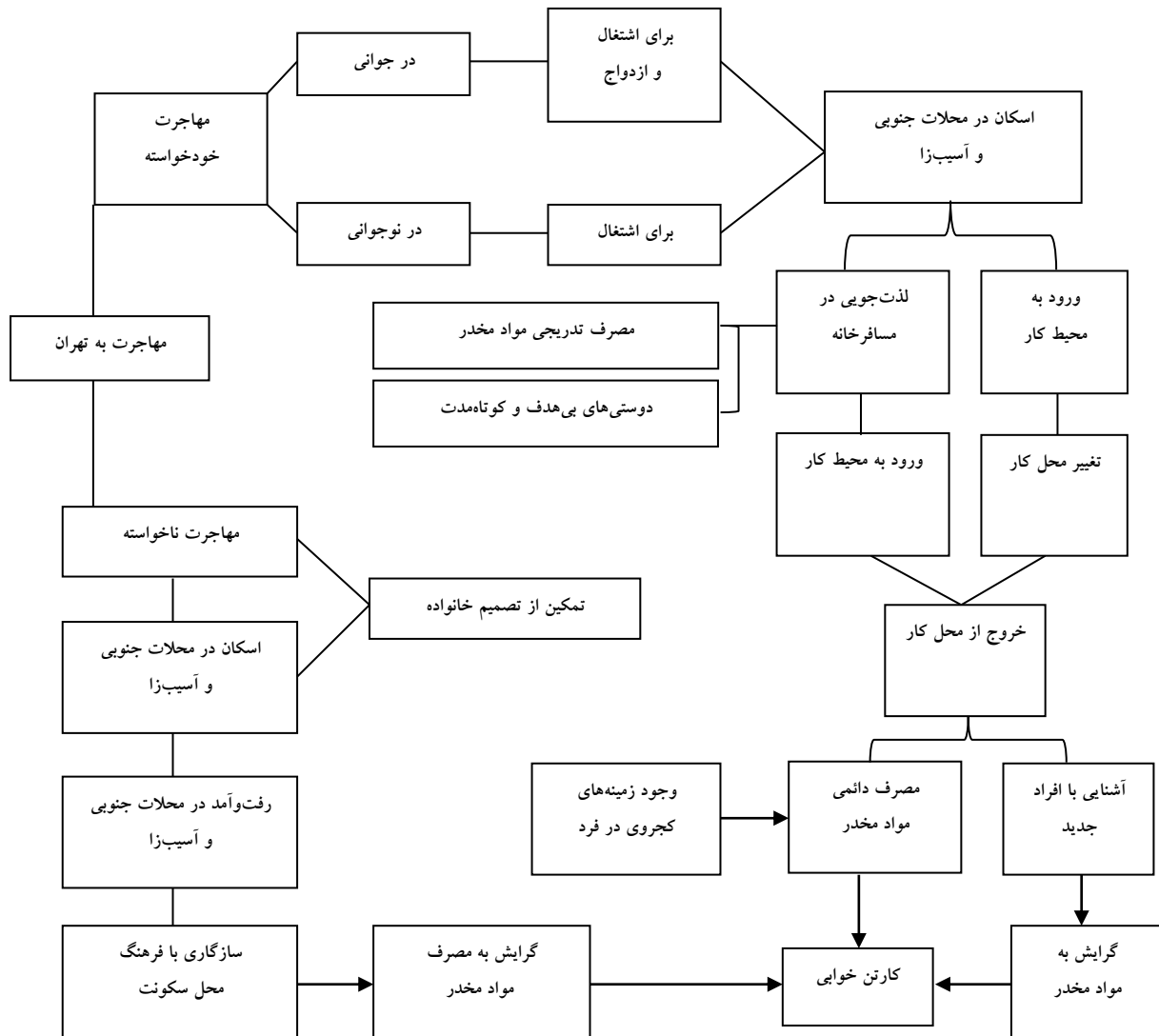
² Life Opportunity

یوسف و محمد، دو نفر از گروهی از کارتن خواب‌ها بودند که مهاجرتی خود خواسته سبب شده بود تا به تهران بیایند و در این شهر ساکن شوند. آنان پس از خروج از خاستگاه جغرافیایی خود به قصد پیدا کردن شغلی با درآمد مکفی به کلانشهر تهران مهاجرت کرده‌اند و در این شهر با مخاطرات دیگری چون نداشتن مکانی به عنوان سر پناه، هزینه‌های بالای تهیه مکانی برای استراحت و پناه بردن به محلات جنوبی و بحران‌زای تهران، کمبود شغل مناسب و نداشتن درآمد کافی مواجه شدند.

سمیرا که پدرش روس و مادرش اهل آذربایجان بود، با مهاجرت خانواده به تهران آمده و همین امر سبب شده بود تا وی از خاستگاه فرهنگی خودش جدا شده و در تهران زندگی کند؛ او خود را با محلات جنوبی تهران که در آن ساکن بوده، دارای سازگاری می‌داند. وی درباره خانه و محل زندگی‌اش گفت:

«از همون اول توی مناطق جنوبی شهر مثل خیابان قزوین، منطقه ۱۷، فلاح زندگی کردیم و با مردم آن منطقه مشکلی نداشتیم. اوایل فقط در فلاح رفت و آمد داشتیم و بعد از رفتن به اسلام‌شهر، در آن‌جا و منطقه واوان رفت و آمد داشتیم. خونه‌ام هم در اسلام‌شهر ویلایی بود و دو تا اتاق خواب داشت. پدر و مادرم به تهران مهاجرت کرده بودن و از مهاجرت‌شون راضی بودند».

سمیرا در تهران به دنیا آمده و بزرگ شده است و همان‌طور که خودش نیز تأکید کرده است، در تهران زندگی کرده و رفت و آمدی به خاستگاه قومی پدر و مادرش نداشته، بنابراین با فرهنگ و ارزش‌های ساکنین تهران، اجتماعی شده است.



شکل شماره (۱): سیکل پدیده کارتن خوابی

گروهی از مصاحبه شونده‌گان که به دلیل مهاجرت خانواده‌شان در تهران سکنی گزیده بودند، زندگی در کلانشهر تهران یکی از فرصت‌های زندگی آنان به شمار می‌رفت که به دلیل جبری بودن زندگی در این شهر، هیچ دخالتی در انتخاب محل زندگی خودشان نداشتند. این گروه نیز با این که مدت زیادی در تهران زندگی کرده بودند، اما همچنان در محلات جنوبی تهران که جزء مناطق مخاطره‌آمیز شهر است، ساکن بودند و این مناطق به دلیل مهاجرپذیری، اقشار مختلف اجتماعی و تنوع فرهنگی و قومی را در

خود جای داده بودند. همین امر باعث شده بود که انتقال فرهنگی حتی در قالب واحدهای همسایگی نیز صورت پذیرد و تاثیر افراد از گروه همالان تا حد زیادی در محدوده‌ی مناطق سکونت آن‌ها انجام شود.

جدول شماره (۱): شاخص‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها درباره متغیر فضای صحنه در زندگی روزمره کارتن خواب‌ها

دلیل اسکان در تهران	دلیل مهاجرت	زمان مهاجرت	محل اسکان
مهاجرت خودخواسته	اشتغال	سنین نوجوانی	محلات جنوبی و آسیب‌زا
مهاجرت خودخواسته	اشتغال و ازدواج	جوانی	محلات جنوبی و آسیب‌زا
مهاجرت ناخواسته	زندگی با مهاجرت والدین	از بدو تولد	محلات جنوبی و آسیب‌زا

طراحی فیزیکی در نظریه گافمن به چگونگی صورت‌بندی فضاهایی اطلاق می‌شود که در کنار هم قرار گرفته و تبدیل به مجموعه‌ای شده‌اند که تقریباً کارکردهای اصلی برای نیازهای اساسی افراد را در خود جای داده‌اند. در این تحقیق، ساختمان‌ها، شکل و نوع آن‌ها، وجود باغ و خانه‌های قدیمی، پل‌های عابر پیاده، زیرگذر و اتوبان، پارک و مکان‌هایی که به منظور گذران اوقات فراغت افراد ساخته می‌شوند و ممکن است برای تامین اهداف دیگری نظیر توزیع یا مصرف مواد مخدر مورد استفاده قرار گیرند یا به مکان‌هایی برای تجمع معتادین یا محل خواب کارتن‌خواب‌ها تبدیل شود، به عنوان طراحی فیزیکی توجه شده است. علی‌ویژگی‌های محله‌ای که در آن زندگی می‌کرد را چنین توصیف کرد:

«از اول منطقه ۱۷ ساکن بودیم. در بافت قدیمی محله، یه پارک پشت خونه بود و ریل راه‌آهن هم وجود داشت. در اوقات فراغت در همان منطقه زندگی خودمون و توی پارک‌ها بودیم که برای مصرف به آن جا می‌رفتیم. گاهی با رفقای خودمون از ترس مامورین توی خونه مصرف می‌کردیم.»

مناطق که علی در آن‌ها سکونت داشته یا برای اوقات فراغت خود با دوستانش به آن محله‌ها می‌رفته، از محلات قدیمی شهر تهران هستند که بسترهای مناسبی برای رشد جرم دارند و به همین دلیل، افرادی که در این مناطق زندگی کرده‌اند، معمولاً بیشتر در معرض اعتیاد به مواد مخدر و پس از آن طرد از گروه‌های بنیادی جامعه؛ به خصوص خانواده هستند. زیرا در این مناطق که علاوه بر بافت قدیمی، ساکنین نیز سبقه‌ای طولانی از نظر سکونت در منطقه دارند، گروه‌هایی از نوع گروه‌های نخستین در ادبیات کولی و جامعه گمین‌شافت از نظر تونیس را بازتولید کرده‌اند که کنترل اجتماعی با روابط چهره به چهره و رو در رو انجام می‌شود. بدین سبب است که با وجود زمینه‌های مساعد در مناطق آسیب‌زای برای گرایش به کجروی، افرادی که از هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی فاصله می‌گیرند، از گروه‌های اجتماعی بهنجار و ساکن در این مناطق نیز طرد می‌شوند. گاهی این بسترهای مساعد به دلیل کنترل‌های درونی در محلات از پیشروی افراد به سوی گام‌هایی بالاتر از میانگین کجروی جلوگیری می‌کنند، اما به محض یافتن موقعیتی مناسب با داشتن تجربیات گذشته و مشاهدات فردی در محله خاستگاه، گرایش به جرائم و کجروی بیش از پیش نمایان می‌شود. رضا که ۲۸ ساله بود و خانواده‌اش در محلات جنوبی شهر تهران

ساکن بودند، اولین تجربه مصرف مواد مخدر بعد از سیگار را در خوابگاه داشت. وی دلیل گرایش خودش به مصرف شیشه را چنین روایت کرد:

«من دانشگاه آبیگ قزوین می‌رفتم ... اولین مصرف هم توی دانشگاه بود. برای این که ما شب و روز بتونیم درس بخونیم، بعضی از دوستانمون می‌گفتن بیا بیدار شویم و بتونیم تا صبح بیدار بشینیم و بتونیم مفیدتر درس بخونیم. من هم اومدم یکی دو بار تفریحی مصرف کردم و دیدم اوایلش چیزی که اونا می‌گفتن، درسته ... لیسانس رو که گرفتم، برگشتم تهران. بعد از اون دیگه بیشتر توی محله‌های خودمون بودیم. سر دور زدن با ماشین سمت ستارخان و تهران ویلا و اینا می‌رفتیم. اما پاتوق‌های مصرف‌مون همون محله‌های خودمون بود.»

در این روایت نیز راوی که از ساکنین منطقه ۱۹ و نقاط بحران‌زا و آسیب‌زای تهران بوده و گرچه گاهی برای گذران اوقات فراغت از محله سکونت خود خارج می‌شده، اما برای مصرف و خوشگذرانی با دوستان خودش به محل سکونت خود مراجعت می‌کرده است. از سوی دیگر، آغاز مصرف وی که با سیگار بوده، نیز در این محله اتفاق افتاده و پس از ورود به دانشگاه، از آن جا که زمینه‌های آماده‌ای برای مصرف مواد مخدر داشته، با هم اتاقی‌های خود به مصرف شیشه پرداخته است و پس از اتمام دوره تحصیل و بازگشت به محل سکونت خود، همان بسترهای آماده اجتماعی باعث شده تا رضا هم‌چنان به مصرف ادامه دهد. بنابراین آغاز و ادامه روند اعتیاد در مکانی مهیا برای این کار بوده که پس از مدتی با طرد خانواده، کارتن خوابی نیز عامل مستعد کننده‌ای برای مصرف مداوم مواد مخدر به شمار رفته است. روح‌الله، یکی دیگر از کارتن خواب‌هایی بود که در گفتگو با پژوهشگر از آشنایی خودش با مواد مخدر در ایام کودکی گفت و رفت‌وآمد به تهران را به دلیل شغلش همیشه در برنامه داشت. اما وی دلیل استفاده از مواد مخدر و از دست دادن دارایی خود را شکستی عاطفی دانست که آن را هم بهانه‌ای به شمار آورد که قدم در این راه بگذارد. چرا که وی از دوران کودکی با محافلی که در آن مصرف مواد مخدر وجود داشته، آشنا بوده و همیشه برای تجربه چنین موقعیت‌هایی کنجکاو بوده است. وی در پاسخ به پژوهشگر گفت:

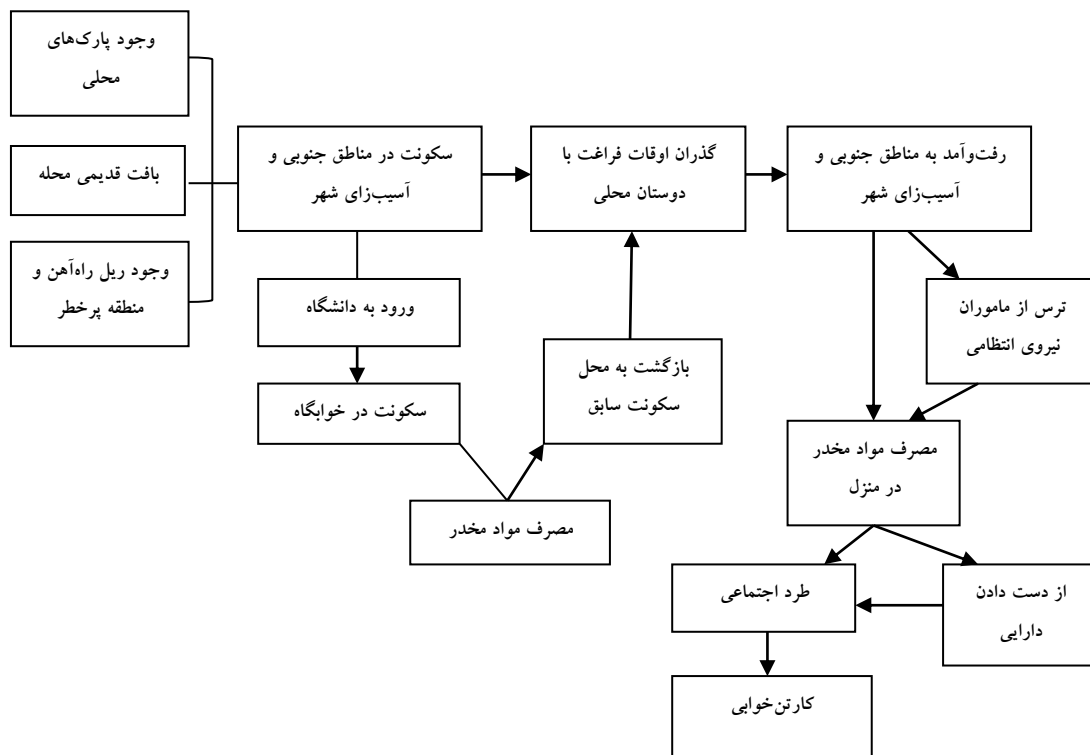
«من زمانی که از همسرم جدا شدم، آروم آروم به مواد گرایش پیدا کردم ... قبل از ازدواج هم گاهی توی مهمانی‌ها و جاهای دیگه مصرف تریاک رو می‌دیدم، البته پدر و پدر بزرگم هم خان و خان‌زاده بودن و همیشه بساطشون به راه بود، اما این طور نبود که دنبالش باشم ... خودم هم کنجکاو بودم و دوست داشتم هر چیزی رو تا تهش برم و ببینم چی هستش، می‌تونم بگم یک یا دو درصد فرهنگ بود، بقیه‌اش خودم بودم.»

روح‌الله که شکست عاطفی را تنها بهانه‌ای برای پاسخ به حس کنجکاوای خود به شمار می‌آورد، فرهنگ حاکم بر اراک را که مدتی طولانی در آن جا زندگی کرده و پذیرایی از مهمان‌ها با تریاک انجام می‌شده، در ضمن خانواده‌اش که از قبایل خان و خان‌زاده بودند نیز در چنین مراسم‌هایی همیشه شرکت داشتند و وی نیز از کودکی با این مراسم‌ها آشنا بوده را دارای تاثیر بسیار کمی در گرایش خودش به مواد

مخدر می‌داند. وی قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری فرد در پاسخ به نیازهای مادی و غیرمادی خودش را مهم‌ترین عامل برای اعتیاد و پس از آن اجبار به کارتن خواب شدن دانست. جدول شماره (۲) نتایج حاصل از این بخش است:

جدول شماره (۲): شاخص‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها درباره طراحی فیزیکی در زندگی روزمره کارتن خواب‌ها

محل سکونت	مکان‌های فراغت	پاتوق اولین مصرف	محل کارتن خوابی
مناطق جنوبی تهران	مناطق جنوبی تهران	پارک‌های محله خاستگاه	پارک‌های محلی
مناطق جنوبی تهران	مناطق جنوبی تهران	خوابگاه دانشجویی	خیابان‌های جنوبی تهران
مناطق جنوبی تهران	مناطق جنوبی تهران	خانه	خیابان‌های جنوبی تهران



شکل شماره (۲): سیکل پدیده کارتن خوابی (از مصاحبه‌ها درباره طراحی فیزیکی در زندگی روزمره)

بحث و نتایج

همه مصاحبه شونده‌گان در این پژوهش از مهاجرین به تهران بودند که یا اسکان طولانی‌مدت داشتند و از بدو تولد در تهران زندگی کرده بودند و یا پس از گذران یک یا دو دوره از زندگی؛ در سنین کودکی یا نوجوانی به تهران مهاجرت کرده بودند. فرایند مهاجرت افراد به تهران و شیوه‌های سازگاری آنان با مناطق جنوبی و آسیب‌زای شهر تهران که در آن فرآیند تعاملاتی بین افراد شکل می‌گیرد که منجر به بروز آسیب‌های شهری؛ به خصوص شکل‌گیری پاتوق‌هایی برای معتادین و شبکه تولید، توزیع و مصرفی که به کارتن خوابی در شهر یاری می‌رساند، می‌شود. منطقه ۱۲ و ۱۷ شهر تهران بیشترین فراوانی را در آمار بی‌خانمان‌های شهر تهران دارد و این دو منطقه، از مناطقی هستند که مکان زندگی اقشار فرودست جامعه هستند. در جامعه مدرن، با شدت گرفتن محرومیت‌های اقتصادی، مناطق حاشیه‌ای شهرها پدید آمدند و مهاجران را در خود جای دادند. با افزایش جمعیت مهاجران در حاشیه شهرها و نیاز به خدمات رسانی به این مناطق، کم‌کم رشد شهرها از نظر جغرافیایی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت و مناطق حاشیه‌ای در تهران امروزی، به بخشی از شهر تبدیل شده است. بی‌شک به دلیل افزایش جمعیت به واسطه گسترش جغرافیایی، نیاز به توسعه خدمات شهری به شهروندان نیز وجود داشت و این امر به دلیل امکانات محدود کارگزاران در شهرها ممکن نبود. این امر سبب شد که پیوستن مناطق حاشیه‌ای به شهر تهران، تنها مرزهای جغرافیایی شهر را تغییر دهد و برخی از مناطق که از امکانات کمتری بهره‌مند می‌شدند، تبدیل به مکان‌هایی شوند که قشرهای فرودست در آن ساکن باشند. این مناطق، مراکز تجمع مناسبی را برای مهاجرانی پدید می‌آورند که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند.

جدول شماره (۳): توصیف پراکندگی پاسخگویان بر حسب مهاجرت به تهران با فراوانی و درصد

تعداد پاسخ‌های معتبر		۳۷۷ نفر	
نما	۱	بله	
فراوانی	درصد	درصد معتبر	
بله	۲۸۱	۷۴/۵	۷۴/۵
خیر	۹۶	۲۵/۵	۲۵/۵
کل پاسخگویان	۳۷۷	۱۰۰	۱۰۰

نما نشان داد که بیشتر پاسخ‌ها در طبقه اول که مهاجرت به تهران را تایید می‌کند، تمرکز دارد و ۷۴/۵ درصد از پاسخگویان به دلایل مختلف به تهران مهاجرت کرده‌اند. شهر تهران به دلیل برخوردار بودن از مرکزیت شغلی و اداری، هم‌چنان حتی پس از استقلال یافتن شهرهای اطراف به عنوان استان، مقصد مهاجرت‌های روزانه و طولانی مدت است. در جدول شماره (۴) دلیل مهاجرت افراد به تهران آمده است:

جدول شماره (۴): توصیف پراکندگی پاسخگویان بر حسب دلیل مهاجرت با فراوانی و درصد

فراوانی	درصد	درصد معتبر	
۷۳	۱۹/۴	۲۰/۱	بومی تهران
۱۱۷	۳۱	۳۲/۲	شغل
۲۱	۵/۶	۵/۸	ازدواج
۱۱۷	۳۱	۳۲/۲	تابعیت از خانواده
۱	۰/۳	۰/۳	تحصیل
۳۲	۸/۵	۸/۸	سربازی
۲	۰/۵	۰/۶	سایر
۳۶۳	۹۶/۳	۱۰۰	کل پاسخ‌ها
۱۴	۳/۷		پاسخ‌های غیرمعتبر
۳۷۷	۱۰۰		کل پاسخگویان

شغل و تابعیت از خانواده، عمده‌ترین دلیل پاسخگویان برای مهاجرت به تهران بود. بیشتر پاسخگویان به مهاجرت در دوران کودکی به تبعیت از خانواده و نبود یا کمبود شغل در شهرستان‌های محل اقامت خود اشاره کردند. تنها یکی از پاسخگویان به دلیل تحصیل به شهر تهران مهاجرت کرده بود که کمترین فراوانی را نیز این طبقه داشت. در مناطقی که مهاجران از شهرهای کوچک و روستاها به آن جا مهاجرت کرده بودند و تا سال‌های متمادی این مناطق، بخشی از حاشیه‌های شهر به شمار می‌رفت یا مرکز شهر بود و با گسترش جغرافیایی شهر، تبدیل به مناطق جنوبی شهر شد، فرهنگ حاکم بر این مناطق ایجاب می‌کرد تا برای تامین هزینه‌های زندگی در حد پاسخ به نیازهای ابتدایی زندگی، مشاغل متعدد را افراد بر عهده بگیرند یا به واسطه کم کردن هزینه‌ها، پس‌اندازی برای سرمایه‌ی زندگی فرزندان خود فراهم کنند. اما همین فشار کار زیاد، باعث کم شدن حضور پدر و مادر در خانواده می‌شد و علاوه بر خلاهای مادی، خلاهای عاطفی نیز بر فرد تحمیل می‌شد. صدیق سروسستانی و نصر اصفهانی نیز معتقدند که گستره‌ای از محرومیت‌های اجتماعی در افراد وجود دارد که ممکن است ناشی از بیماری روانی یا فقر اقتصادی باشد (صدیق سروسستانی و نصر اصفهانی، ۱۳۸۹). تاثیر مهاجرت که افزایش محرومیت‌های اجتماعی را سبب می‌شود با کارتن خوابی سنجش شد که نتایج در جدول شماره (۵) آمده است:

جدول شماره (۵): آزمون رابطه مهاجرت و گرایش به کارتن خوابی با ضریب کای اسکوار و محاسبه شدت آن با ضریب کرامر

ضریب کای اسکوار	سطح معناداری	ضریب کرامر
۸۷/۶۹۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۱

رابطه مهاجرت و گرایش به کارتن خوابی

نتیجه آزمون این رابطه نشان داد که کارتن خوابی و مهاجرت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معناداری با هم دارند و شدت این رابطه نیز بیانگر سطح متوسطی از رابطه بین این دو متغیر است. به

مرور زمان که رشد و توسعه شهری ایجاد شد و طرح‌های توسعه فضای سبز و معابر عمومی برابر با قوانین مصوب به ارگان‌های دولتی و خصوصی ابلاغ شد، مناطق فقیرنشین شهر نیز از برخی خدمات شهری مانند مساجد و پارک‌ها، پاساژها و فرهنگ‌سراها برخوردار شدند. این فضاها که با هدف به وجود آوردن فضایی برای تعامل، گفتگو و آشنایی بیشتر ساخته می‌شد تا بتواند کنترل درونی به وجود آورند و محلات شهری را که در حال از بین رفتن بود، بازسازی کند، توسط شهروندان و ساکنان این مناطق کارکردهای دیگری پیدا کردند. یکی از اصول مهم در مکان‌یابی و مکان‌سازی شهری، مراقبت از فضای ساخته شده است که بتواند امنیت لازم را فراهم سازد، نه اینکه ناامنی را گسترش دهد.

استفاده از خلای‌های ناشی از فشارهای محیطی باعث شد تا این مکان‌ها، مکان‌های مناسبی برای افرادی باشند که با ظاهری مقبول، جوانان و نوجوانان را به سوی خود جلب کنند و از راه پیوندهای غیر رسمی، نفوذی چشمگیر در آنان داشته باشند. همین امر سبب شد تا گروه‌های همالان در این مناطق ایفاگر نقش اساسی در روابط انسانی و در فرآیند اجتماعی‌شدن باشند. سرپیچی از خانواده و تمرد از ابتدایی‌ترین پیامدهای این همنشینی بود. این‌گونه روابط در برخی مواقع باعث می‌شد که فرد به رفتارهایی ضد ارزشی دست بزند مثل مصرف مواد مخدر و با گرایش به سمت این خرده فرهنگ‌ها، اعتیاد دامن‌گیر آن‌ها شود که در برخی خانواده‌ها طرد فرد از خانواده را در پی داشته و در برخی خانواده‌ها تلاش برای بازگرداندن فرد به چرخه سالم زندگی، اصل مهم و اساسی به شمار می‌رفت. در این شرایط، چرخه اعتیاد و کارتن‌خوابی شکل می‌گیرد؛ یعنی ممکن است فرد اعتیاد به مواد مخدر پیدا کند و بر اثر طرد از خانواده یا مصرف بی‌رویه که منجر به از دست دادن دارایی و ورشکستگی می‌شود، وارد گروه کارتن‌خواب‌ها شود. در گونه دوم، فرد برای استقلال یا ابراز وجود، در برابر خانواده ایستادگی کرده و به نشانه اعتراض، خانه را ترک یا از خانه، فرار می‌کند و پس از بی‌خانمانی، وارد گروه‌های ناهنجار می‌شود و گرایش به مواد مخدر در وی افزایش می‌یابد. به همین دلیل است که کارتن‌خوابی و اعتیاد دو روی یک سکه هستند و در اغلب موارد، فرد کارتن‌خواب، معتاد نیز می‌باشد.

تبدیل فضاهای ساخته شده برای استفاده‌ی عمومی به مکان‌هایی برای تجمع کارتن‌خواب‌ها و معتادان، باعث می‌شود که افراد ساکن در منطقه، کمتر از خانه خارج شوند تا از امنیت بیشتری در خانه برخوردار باشند. بدین سبب است که در این مناطق، باوجود مکان‌های عمومی به منظور آشنایی شهروندان، حس غریبی در روابط میان افراد حاکم است. همین روابط رسمی و حس غریبی در مناطقی که به واسطه رشد سرمایه‌داری و روند رو به رشد ساخت و ساز، مملو از ساختمان‌های بلند مرتبه هستند، نیز وجود دارد. ناآشنایی افراد با یکدیگر در منطقه محل زندگی‌شان به تدریج، کنترل درونی را از بین می‌برد و در این مواقع است که باید فرهنگ شهرنشینی گسترش یابد و بهره‌مندی از کنترل بیرونی حائز اهمیت شود. انتظار معمولاً این است که هنجارها و قوانین نهادینه شده در جامعه بتوانند نظم و کنترلی را توسط نیروهای بیرونی اعمال کنند تا حداقلی از امنیت اجتماعی برای زندگی ایجاد شود. اما از آن جا که هم در

مکان‌های عمومی که در تصرف گروه‌های پرخطر قرار گرفته است و هم در آپارتمان‌هایی که محل جمع شدن افراد و دورهمی‌های شبانه شده، کنترل بیرونی نیز ناکارآمد است. بدان سبب که گروه‌هایی که در این مناطق تشکیل می‌شوند، از قواعد زندگی سنتی استفاده می‌کنند و برای زندگی با هم، سعی می‌کنند میزانی از اعتماد بین فردی را حفظ کنند تا بقای گروه‌شان ممکن شود.

بنابراین طراحی فیزیکی، می‌تواند بر محیط که ساختی از روابط انسانی است، تاثیر بگذارد و تناسب بین طراحی فیزیکی مناطق مختلف شهری، اشکال مختلفی از گروه‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد که هر یک از این گروه‌ها شیوه‌های مختلفی برای برقراری ارتباط با یکدیگر و رفع نیازهای‌شان دارند. اما آن چه که مسلم است، همه آن‌ها از یک فرصت استفاده می‌کنند و آن هم غریبی در فضایی که گرد هم می‌آیند، است. از این مکان‌ها می‌توان به عنوان پاتوق‌هایی یاد کرد که در نقاط مختلف شهر برای اهداف متنوع و متعددی ایجاد می‌شوند، اما گروه‌هایی که از آن مکان‌ها استفاده می‌کنند، توانایی تغییر کارکرد آن‌ها را دارند. علی‌اکبری و درخشان نیز فضا را بستر مکانی برای رفتارهای انسانی به شمار آورده‌اند. این بستر از طریق فرایندهای مختلف در رفتار فضایی انسان متجلی می‌شود و به صورت برونداد رفتاری هنجار و نابهنجار یا موزون و ناموزون، نمود عینی و رفتاری پیدا می‌کند (علی‌اکبری و درخشان، ۱۳۹۳: ۵۷).

با توجه به این که مناطق جنوبی تهران، مناطقی با بسترهای آسیب‌زا و جرم‌خیز هستند، هر گونه خدمات شهری اعم از پارک‌ها، پل‌های عابر پیاده، زیرگذر، اتوبان و غیره می‌توانند کارکردهایی به جز اهداف سازندگان این مکان‌ها پیدا کنند و تبدیل به پاتوق‌هایی برای مصرف مواد مخدر یا کارتن خوابی شوند که این مسئله نیز بسترهای مستعد نابهنجاری در این مناطق را بازتولید کرده و گسترش می‌دهد. علاوه بر این، مکان‌هایی که کنترل اجتماعی در آن کم می‌شود و همانند پارک‌ها و سایر پاتوق‌ها زمینه‌های مساعدی برای کجروی‌های پنهانی دارند نیز یاری رسان عوامل می‌شوند. خوابگاه‌های دانشجویی از این گونه پاتوق‌ها هستند و نرخ تمایلات کجروانه در آن‌ها بالاست.

پیشنهاد‌های تحقیق

محلات پرخطر تهران، دارای اماکن عمومی زیادی هستند. مثلاً پارک‌هایی که در این محلات وجود دارند، به جای این که محلی برای تفریح مردم منطقه باشد، پاتوقی برای معتادین و کارتن خواب‌ها است. ساماندهی کارتن خواب‌ها که تنها بخشی از آنان را شامل می‌شود، محدوده را برای مدت کوتاهی پاک سازی می‌کند. در برنامه‌ریزی شهری، توصیه می‌شود پس از مکان‌یابی برای ساخت واحدهای خدماتی، تجاری، اداری یا تفریحی، چگونگی سالم ماندن آن محیط نیز باید مورد توجه قرار گیرد و از مهم‌ترین مباحث در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهر به شمار می‌رود.

با توجه به تاکید یکی از کارشناسان به تاثیر جنسیت بر میزان مراجعه به گرمخانه‌ها و این که جمعیت زنان در سنین جوانی و میانسالی در این گرمخانه‌ها کمتر از مردان است، لذا پاسخگویی به مطالبات بازار

روابط جنسی در طول روز از اولویت‌های زنان برای کسب درآمد شده است. به عبارت دیگر، به دلیل خروج زنان در طول روز از گرمخانه‌ها، کنترل زندگی آنان را در دست خودشان قرار داده و زنانی که به گرمخانه‌ها مراجعه نمی‌کنند بیشتر در راستای پاسخگویی به مطالبات جنسی فعالیت می‌نمایند. لذا پیشنهاد می‌گردد مسئولین مراکز نگهداری از زنان، نظارت و کنترل بیشتری بر نحوه خروج این افراد داشته باشند و در صورت امکان، فعالیت این مراکز در طول روز نیز هم چنان ادامه یابد.

یکی دیگر از کارشناسان رابطه اعتیاد و کارتن خوابی را دیالکتیکی دانست و گفت که این رابطه به شکل چرخه‌ای ادامه دارد. هر معتادی ممکن است روزی به دلیل مصرف زیاد مواد مخدر، دارایی خود را از دست بدهد و به دلیل فقر، بی‌خانمان شود. از سوی دیگر، هر فردی که از خانه خارج شده و در خیابان‌ها به سر می‌برد، ممکن است در اثر همنشینی با دیگران، در دام اعتیاد گرفتار شوند. بنابراین توجه به این رابطه هم در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی تاثیرگذار خواهد بود. لذا ساماندهی فضاهای عمومی در شهر و نظارت سازمان‌های مربوطه بر این اماکن، می‌تواند مانع ادامه یافتن رابطه اعتیاد و کارتن خوابی در این چرخه شود.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۹۱). **جامعه‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی نظریه**. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی انحرافات**. تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم.
- ادهمی، جمال و مهدی ترکمان. (۱۳۸۸). **بررسی وضعیت متکدیان شهر تهران و ارائه راهکارهای ساماندهی آن‌ها**. تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- باروز، روجر، نیکلاس پلیس، دیورا کویلگارس. (۱۳۹۶). **بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی**. ترجمه: محمد خانی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- راغفر، حسین؛ میترا باباپور و محدثه یزدان‌پناه. (۱۳۹۴). **بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌ها اول تا چهارم توسعه**. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران. دوره چهارم، شماره ۱۶.
- صدیق سروسناتی، رحمت‌الله و آرش نصر اصفهانی. (۱۳۸۹). **اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن خوابی در شهر تهران؛ پژوهشی کیفی**. فصلنامه علمی پژوهشی مسائل اجتماعی ایران. زمستان، شماره ۴، ناشر: دانشگاه تهران.
- علی‌اکبری، اسماعیل و شهرام درخشان. (۱۳۹۳). **تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی در محیط‌های شهری مطالعه موردی: منطقه پنج کلانشهر تهران**. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری. بهار، شماره ۲، صص ۷۲-۴۹.
- گافمن، اروینگ. (۱۳۹۲). **نمود خود در زندگی روزمره**. ترجمه: مسعود کیانپور. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- گورویچ، ژورژ. (۱۳۵۱). **دیالکتیک؛ سیر جدالی و جامعه‌شناسی**. ترجمه: حسن حبیبی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Jones, G. A. (2003). **Urban Land Markets in Transition**. Cambridge: Lincoln Institute of Land Policy.
- Korce, Brigid A. (2006). **A needa assessment of youth homelessness in the City of Utica. (M. Sc. Thesis)**. State University of New York. Institue of technology.
- Tyler, Kimberly A. (2008). Social network characteristics and risky sexual and drug related behaviors among homeless young adults. **Social Science Research**. No. 37, P.p: 673-685.